فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق
سال هشتم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۲۷
صفحات ۱۰۲ ـ ۸۳

PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
A Research Journal
Vol. 8, Spring 2015, No. 27

جایگاه صله رحم در سبک زندگی دینی

سید حسین شرف‌الدین*

چکیده

یکی از مؤلفه‌های کلیدی و برجسته سبک زندگی دینی در حوزه ارتباطات انسانی، ارتباط با خویشان و بستگان نسبی و سببی، اعم از مؤمن و غیر مؤمن است که به «صله رحم» تعبیر شده است؛ آموزه‌ای که در منابع دینی و سیره بزرگان دین نیز فراوان و با تعابیر مختلف بر رعایت آن در هر شرایط ممکن تصریح و تأکید شده است. این ارزش اجتماعی به‌رغم پشتوانه‌های عقلی، شهودی، دینی و تجربی، تحت تأثیر برخی تحولات ساختاری، شخصیتی، فرهنگی و ارتباطاتی از جایگاه پیشین خود در جامعه سنتی، افول کرده و به یک ادب اجتماعی مرسوم در برخی تعاملات موسمی و مناسبتی تبدیل شده است. این نوشتار درصدد است تا با رجوع مستقیم به منابع اصیل دینی (آیات وروایات)، جایگاه این آموزه راهبردی را در سبک زندگی دینی و حیات طیبه یا مدینه فاضله اسلامی تعیین و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

صله، قطع، رحم، سبک زندگی، ارتباط، کارکرد.

طرح مسئله

یکی از مؤلفه‌های کلیدی و برجسته سبک زندگی دینی (اسلامی) در حوزه ارتباطات انسانی، ارتباط با خویشان و بستگان نَسَبی ـ و نیز بستگان سببی، براساس برخی دیدگاه‌ها ـ اعم از مؤمن و غیرمؤمن ـ مشروط به شروط و حدود خاص ـ است که در منابع دینی و الهیاتی، از آن به «صله رحم» تعبیر شده است. انگیزه و اشتیاق به رعایت صله رحم، افزون بر محرّک‌ها و بنیادهای زیستی، فطری، دواعی عقلایی،

*. دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره. sharaf@qabas.net
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۹

www.noormags.ir

ضرورت‌های کارکردی در سطوح فردی و اجتماعی و رسوب‌های تاریخی و فرهنگی، از توصیه‌ها و ترغیب‌های اکید ادیان الهی در قالب مجموعه‌ای از الزام‌های فقهی و اخلاقی است و به یکی از ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی در جوامع انسانی تبدیل شده است.

گزارش‌های مردم‌شناسان، همگی از شیوع و رواج همگانی، پذیرش جمعی، ضرورت و اهمیت کارکردی، نفوذ و رسوخ فرهنگی، شکل‌ها و سازوکارهای اجرایی متنوع آن در جوامع انسانی به‌ویژه جوامع دارای بافت سنتی حکایت دارد. بدون تردید، صله رحم یا پیوند و تعلق جوانحی و جوارحی افرادی که دارای وابستگی‌ها و پیوندهای خویشاوندی هستند، در صورت جریان‌یابی عام در گستره حیات اجتماعی، تبدیل به یک ارزش فرهنگی غالب و نهادی شده است و پایبندی عملی قاطع و عمومی به رعایت آن، آثار و نتایج فردی و اجتماعی برجسته‌ای به دنبال دارد.

به دلیل ترتب همین آثار متنوع، منابع اسلامی (آیات و روایات) نیز همچون منابع علمی (جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و روان‌شناختی اجتماعی) بیشتر، از زبان و منطق کارکردی در تحلیل و تشریح این آموزه و ارزش فرهنگی اجتماعی بهره گرفته‌اند. برجسته‌ترین کارکرد این آثار، نقش صله رحم در تأمین و ارضای نیازهای عاطفی، تقویت روح مددکاری و همیاری اجتماعی، ایجاد انگیزه برای گسترش خدمات عمومی به صورت غیررسمی و نقش زمینه‌ای آن در ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی ـ در میان شبکه‌های خرد درون یک جامعه ـ است.

شکی نیست که شبکه خویشاوندی ـ به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم نظام اجتماعی کل در مرتبه پس از خانواده ـ از کهن‌ترین و اصیل‌ترین کانون‌های تجمع انسانی است. این کانون، جمع درخور توجهی از افراد بهره‌مند از خویشاوندی نَسبی و سَببی را در چارچوب یک تشکل طبیعی ـ اجتماعی، با مرجعیت مجموعه‌ای از قواعد و سنن ریشه‌دار و پذیرفته‌شده، دارای ساختار غیر سلسله‌مراتبی (از نوع سازمانی)، دارای وابستگی مشترک و متقابل، برخوردار از تمایل و انگیزه قوی به تعامل عاطفی و اخلاقی و به دور از ملاحظه‌ها و محاسبه‌های سودجویانه، در خود جای داده است.

مفهوم «صله رحم» در مقابل «قطع رحم»، عام‌ترین مفهوم ناظر به معرفی حقوق و تکالیف فقهی و اخلاقی متقابل خویشاوندان در ادبیات دینی است. در این مطالعه به قرینه تقابل، تا حد ممکن از طرح مباحث مربوط به قطع رحم به صورت مستقل پرهیز کرده‌ایم.

دین و سبک زندگی

رویداد انقلاب اسلامی و موقعیت‌یابی فرانهادی اسلام، به‌عنوان محوری‌ترین و بنیادی‌ترین منطق زیستی در سطوح فردی و اجتماعی، ضرورت بازسازی سبک‌ها و الگوهای زیستی موجود و اصلاح و مهندسی

www.noormags.ir

دربارهٔ آنها در مسیر استقرار تدریجی یک جامعه مذهبی ایدئال به‌عنوان آرمان محوری انقلاب اسلامی را به یکی از ضرورت‌های جدی جامعه امروز ایران تبدیل کرده است. تأکیدهای صریح مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر نیز لزوم توجه مسئولانه به این مهم را دوچندان ساخت.

بدیهی است که آفرینش سبک‌های زیستی و میزان پایبندی عملی به رعایت آنها در فرایندهای زندگی روزانه، در هر جامعه ـ اعم از دینی و غیر دینی ـ نسبت مستقیمی با سرمایه‌ها و گفتمان‌های غالب فرهنگی، نظام‌های ارزشی و هنجاری حاکم، عقلانیت جمعی، تجربه‌های زیست‌شده، اقتضائات حیات اجتماعی و ضرورت‌های کارکردی، فرصت‌ها و امکانات محیطی، نیازها، خواسته‌ها، انتظارات، ترجیح‌ها و علاقه‌مندی‌ها و سلیقه‌های فردی دارد.

اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان، از عناصر محوری هر جهان اجتماعی هستند. کنش‌ها، هنجارها، نمادها، سازمان‌ها، ساختارها و تغییر و تحولات درونی آنها به‌تناسب اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان به وجود می‌آیند. جهان‌بینی‌های برگرفته از ادیان الهی، همواره مهم‌ترین منبع تولید و هدایت باورها، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان، به‌عنوان پایه‌ای‌ترین بنیادهای زندگی فردی و اجتماعی بشر بوده‌اند.

سبک زندگی بنابر تعریف، «الگو یا کلیت رفتاریِ ناشی از گرایش‌ها و ترجیح‌های فردی» است. تمایل‌ها و ترجیح‌ها نیز متأثر از نظام معنایی افراد است و دین، یکی از مهم‌ترین و بلکه از برخی جهت‌ها، بی‌بدیل‌ترین نظام معنایی است. ادیان فعال، همواره با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزه‌ای، تجربه‌های تاریخی، نهادها و ساختارهای اجتماعی، امکانات و فرصت‌های عصری و محیطی سعی داشته‌اند تا پیروان خود را در مسیر ایجاد و استقرار سبک‌های زندگی مطلوب و متناسب با اقتضائات بینشی و ارزشی مورد اعتقادشان و ضرورت‌های جهانی که در آن می‌زیند، هدایت کنند.

دین، از نظام‌های معرفتی و رفتاری و الگوهای زیستی است که بنابر تجربه، حتی در فردی‌ترین سطح تحقق (نظام شخصیت و دنیای باورها، احساسات، تجربه‌ها، نگرش و سلوک مؤمنانه شخص)، ظرفیت بالایی برای جریان‌یابی سریع در ساحت‌های زیستی و کل حیات فردی و به تبع آن در کل حیات جمعی و زندگی اجتماعی (بسته به جایگاه اجتماعی، غلبه گفتمانی، ظرفیت‌های آموزه‌ای، تعداد و چگونگی موالیان و دعاوی ایدئولوژیک) دارد و بالقوه می‌تواند سلوک اجتماعی را متأثر سازد. بدیهی است که نقش دین در برخی سطوح، تعیین‌کننده و محوری و در برخی، ارشادی و زمینه‌ای است.

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین نسخه هدایتی و تشریعی خداوند، برای فرهنگ‌سازی و جامعه‌سازی و سامان‌دهی به نظام زیستی مؤمنان، اصولی را برای سیاست‌گذاری و نهادسازی و نظام‌سازی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و فراغتی تشریع کرده است.

www.noormags.ir

بدیهی است که اسلام در یک جامعه اسلامی، تنها مرجع و منبع پذیرفته شده، متقن و مشروع برای تأمین نیازهای بینشی، ارزشی، گرایشی و هنجاری همه نهادهای اجتماعی و شالوده‌های زیستی مستقر و سفارشی شناخته می‌شود.

بنابراین با توجه به نقش قاطع دین در آفرینش و اصلاح فرهنگ و جهان زیست جمعی، مشارکت آن در خلق و ویرایش و پالایش سبک‌ها نیز به‌عنوان مشتقات فرهنگی، گریزناپذیر خواهد بود. سبک‌های زیستی به‌مثابه عناصر ایدئولوژیک و مظاهر حکمت عملی، نسبت مستقیم و ربطی علّی با جهان‌بینی و حکمت نظری متناسب دارند. بدیهی است که مؤمن و جامعه ایمانی، به اقتضای ایمان و اعتقاد و فلسفهٔ زیستی خویش نمی‌تواند در قلمروهای زندگی و تعامل خود با هر شیوه و سبکی سلوک کند. به بیان دیگر، اسلام دین تمام زندگی است، پس هیچ امری از زندگی را نمی‌توان بیرون از حوزه شمول و اطلاق آن تصور کرد. اسلام همواره داعیه‌دار همه عرصه‌های حیات فردی و جمعی، درونی و بیرونی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی بوده است. بر این اساس، ترسیم خطوط کلی حیات طیب این‌جهانی در عرصه‌های مختلف زیستی، بخشی از مأموریت ذاتی و گوهری اسلام به‌عنوان آخرین، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی است. (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مطهری، ۱۳۷۷: ۲ / ۹۷ ـ ۵۱؛ همو، ۱۳۹۱: ۲۲ / ۲۸۷ ـ ۶۷؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۴۲۳ ـ ۳۶۷)

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی دینی که در جامعه جدید، بر اثر وقوع برخی تحولات ساختاری، شخصیتی، محیطی و ارتباطی، جایگاه آن فروکاسته شده و میزان پایبندی عملی به رعایت آن، افول روزافزون یافته، «صله رحم» است که همچون دیگر آموزه‌ها و ارزش‌های سنتی ـ مذهبی نیاز به بازبینی، احیای موقعیت، فرهنگ‌سازی و فضاسازی روانی اجتماعی متناسب دارد.

جایگاه صله رحم

یکی از شاخص‌های تعیین جایگاه یک آموزه یا ارزش در منطق دین، میزان اهتمام کمّی و کیفی بدان در منابع دینی (آیات و روایات) است. عطف توجه مستقیم و غیرمستقیم به موضوع «صله رحم» و در مقابل، هشدار و پرهیز شدید از قطع آن، در ضمن ده‌ها آیه (بقره / ۲۷، ۸۳، ۱۷۷، ۱۸۰ و ۲۱۵؛ نساء / ۱، ۸ و ۳۶؛ انعام / ۱۵۱؛ انفال / ۷۵؛ رعد / ۲۱ و ۲۵؛ ابراهیم / ۴۱؛ نحل / ۹۰؛ اسراء / ۲۳ و ۲۶؛ مریم / ۱۴ ـ ۱۲ و ۳۲ ـ ۳۱؛ نور / ۲۲؛ شعراء / ۲۱۴؛ عنکبوت / ۸؛ احقاف / ۱۵؛ طور / ۲۱؛ نوح / ۲۸؛ روم / ۳۸؛ لقمان / ۱۵ ـ ۱۴؛ محمد / ۲۳ ـ ۲۲؛ مجادله / ۲۲) و صدها روایت همچون: استقرار سیره عملی بزرگان دین بر رعایت آن، اجماع و اتفاق‌نظر فقهای اسلام بر وجوب و استحباب سطوح مختلف آن و بلکه تلقی آن به‌عنوان ضرورت دین (نجفی، بی‌تا: ۲۸ / ۱۹۱؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۰۵: ۲۶ / ۷۰؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۹: ۳۶۹ ـ ۳۳۷)

www.noormags.ir

و تأکید عرف متشرعان بر رعایت آن، همگی شواهد گویایی بر اهمیت جایگاه ارزشی و هنجاری برجسته آن در آموزه‌های دینی و فرهنگ برخاسته از آن است.

تعابیر به‌کاررفته در منابع دینی، به بهترین شکل ممکن، جایگاه ارحام و اهمیت حقوق قانونی و اخلاقی آنان را نشان می‌دهند. برای نمونه، «رحم» در برخی روایات به‌عنوان مفهومی مشتق از نام خداوندِ رحمان، پرتوی از رحمت حق تعالی، اولین ناطق در روز قیامت، شافع روز جزا و برخوردار از حق بلامعارض توصیف شده است. (بنگرید به: مجلسی، ۱۳۸۹ ق: ۲۳، ح ۱۲؛ ۷۷ / باب ۲ / ح ۷؛ ۷۴ / باب ۳ / ح ۵۱؛ ۸ / باب الشفاعة / ح ۳۹ و ۷۴ / باب ۳ / ح ۹۷) افزون بر رحم، موضوع «صله رحم» نیز با تعبیرها و بیان‌های ویژه توصیف شده است. برای نمونه، یکی از واجبات الهی، (بنگرید به: روم / ۳۸؛ رعد / ۲۱ و ۲۵؛ بقره / ۲۷) پرتوی از عنایت حق تعالی، (مجلسی، همان: ۹ / باب ۹۹ / باب الصلاة / ۴۵) از سنت‌های کهن در ادیان الهی، (همان: ۱۵ / باب اجداد النبی / ح ۹۸) از سفارش‌های پیامبران الهی به امت‌های خویش، (همان: ۱۴ / باب مواعظ عیسی / ح ۱۷) از سفارش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به جامعه اسلامی، (همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۷۳) از سیره‌های عملی معصومان، (همان: ۹۳ / باب ۲۴ / ح ۱) از اعمالی که معصومان در انجام دادن آن بر دیگران پیشی گرفته‌اند، (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۹) از اهداف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، (همان: ۳۸ / باب ۶۵ / ح ۴۹) از پیمان‌های اسلام از مؤمنان، (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۲ / ح ۳۶۵۱) از نشانه‌های دین‌داری، (حرانی، ۱۴۰۲: ۲۱۱) از نشانه‌های تقوا، (مجلسی، ۱۳۸۹: ۷۴ / باب ۲ / ح ۴۰) بهترین خصلت مؤمن، (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۲ / ح ۳۳۰۶) زیباترین عمل مؤمن، (همان: ۴ / ح ۵۴۶۴) محبوب‌ترین عمل مؤمن، (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۰۰ / باب ۷۳ / ح ۳۱) افضل اعمال مؤمن، (همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۳۰) از زکات اعضا، (همان: ۹۶ / باب ۱ / ح ۱) از زکات توانگری، (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۴ / ح ۵۴۵۳) مصداقی از قرض‌الحسنه، (مجلسی، همان: ۲۴ / باب ۶۴ / ح ۶) از اعمالی که توفیق انجام دادن آن را باید از خداوند خواست، (همان: ۹۴ / باب ۳۸ / ح ۷) زمینه‌ساز حفظ و ابقا و مزیت دیگر نعمت‌ها، (همان: ۷۴ / باب ۱۷ / ح ۱۰) تخصیص پاداش فراوان به آن، (همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۶۲) واجبی که از قطع آن به خدا پناه برده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۸ / ۲۸۰) و در قطع آن، مقابله به مثل جایز نیست. (مجلسی، همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۶۳) در برخی روایات نیز صله رحم در کنار جهاد فی سبیل الله، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و برخی دیگر از وظایف، دارای جایگاه ارزشی بسیار متعالی معرفی شده که خود، نشانه دیگری از اهمیت و اعتبار آن است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱ / ۴۵۸؛ ۱۲ / ۱۸۴)

گستره مصداقی رحم

در منابع روایی و لغوی و نیز در محاوره‌های عمومی، مفاهیم متعددی با قلمرو معنایی و گستره شمول

www.noormags.ir

نه‌چندان معین و مرزبندی‌شده، برای معرفی خویشاوندان و منسوبان فرد رواج دارد. این ابهام مفهومی، معین و محدود کردن شبکه ارحامی را که صله آنها به استناد منابع دینی، واجب شده نیز مبهم و مناقشه‌آمیز کرده است. در عربی واژه‌های بیت، اهل، آل، ارحام، عشیره، اقارب، اقربی، ذوی‌القربی، لحمه، نسب، عترت، ذریه و ذراری (اولاد ذکور و اناث و فرزندان آنها) و در فارسی واژه‌های فامیل، بستگان، خویشان، خویشاوندان، خاندان، اقوام، دودمان، منسوبان و متعلقان برای این اشاره به کار می‌رود. شایع‌ترین واژه در منابع روایی و به تبع آن در منابع فقهی و اخلاقی، واژه «ارحام» جمع «رحم» است.

«رحم» در لغت، به عضو خاصی از بدن زن که محل استقرار جنین و کانون نشو و نمای طبیعی اوست، اطلاق می‌شود. این واژه بعدها به صورت استعاره و به علاقه ظرف و مظروف، به معنای قرابت و خویشاوندی به کار رفت و به همین دلیل، نزدیکان و خویشاوندان را به اعتبار نسبت داشتن به یک رحم واحد، «ارحام» می‌گویند. (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴ / ۲۱۹؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۱ / ۴۶۶) به بیان برخی مفسران، «رحم» عبارت از وحدتی است که به دلیل تولد از یک پدر و مادر یا یکی از آن دو، در میان اشخاص برقرار می‌شود و موجب پیوند و وحدتی می‌گردد که در ماده وجودشان نهفته است. این (پیوند) یک امر اعتباری و خیالی نیست؛ بلکه حقیقتی جاری در میان ارحام است و آثار حقیقی در خلقت و در خوی آنان دارد و نیز در جسم و در روحشان موجود است و هرگز نمی‌شود منکر آن شد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴ / ۲۳۴) فخر رازی در بیان نام‌گذاری این واژه می‌نویسد: «چون ارتباط نسبی میان افراد، زمینه عاطفه‌ورزی و احسان آنها به یکدیگر را فراهم می‌سازد، به آنها ارحام (از رحم و رحمت) اطلاق شده است». (رازی، ۱۴۱۱: ۹ / ۱۳۵)

از قرابت و خویشاوندی ناشی از رحم مشترک و موضوع «ولادت»، گاه به «قرابة الولاده» برای تمایز دیگر انواع قرابت نیز تعبیر شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۷۵) از دید برخی مردم‌شناسان، دو نفر در صورتی خویشاوند هستند که نیای آنها مشترک باشد یا یکی از آنها نیای دیگری باشد. اصطلاح «نیا» در اینجا به معنای کسی است که در موضع اجتماعیِ پدری قرار گرفته باشد و او فرزندی داشته است که آن فرزند نیز فرزندی داشته و همین‌طور پایین آمده تا به نسل کنونی رسیده است؛ یا به معنای کسی است که در موضع اجتماعیِ مادری قرار داشته باشد و الی آخر. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۳۹۴) قرابت نسبی یا همخونی دو حالت دارد: یا خطی است یا جنبی. زمانی خطی است که طی آن، فرد نیای مستقیم دیگری باشد و هنگامی جنبی است که طی آن، اگرچه افراد خویشاوند به طور مستقیم و نسل اندر نسل به یکدیگر پیوند نمی‌یابند، خاستگاه آنان یک نیای مشترک است. (همان: ۹۰۵)

در گستره و شمول مصداقی «رحم»ی که صله آن واجب شمرده شده، اختلاف‌نظرهایی میان فقها و

www.noormags.ir

مفسران بروز کرده است. با این حال، نقطه‌نظر مورد اتفاق آن، خویشاوندان نسبی است. ازاین‌رو ارحام فرد، همه نزدیکانی هستند که از ناحیه پدر و مادر ـ و هرچه در سلسله عمودی خویشان بالاتر و پایین‌تر جای گیرد، یعنی اجداد و جدات و اولاد و نوه‌ها ـ به وی منسوب‌اند. بر این اساس، پدر و مادر و همه اجداد و جدات پدری و مادری، فرزندان و نوه‌ها (پسران و دختران)، برادران و خواهران و فرزندان آنان، عموها و عمه‌ها و فرزندان آنها، دایی‌ها و خاله‌ها و فرزندان آنان و به‌طورکلی همه کسانی که در این پیوند خونی به نوعی به فرد انتساب داشته یا منشأ خلق واحدی داشته باشند ـ اعم از اینکه جزء محارم باب نکاح باشند یا نه، جزء وراث شمرده شوند یا نه، دور باشند یا نزدیک ـ در زمره ارحام او جای می‌گیرند. برخی فقها در مقام تعیین گستره ارحام معتقدند:

> مراد از اقوام و خویشاوندان در صله رحم کسانی هستند که نسبت نسبی با انسان دارند و در بین مردم، خویشاوند به حساب می‌آیند. بنابراین ملاک در ارحام، عرف مردم است و عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آنان از واضح‌ترین نمونه‌های آن است و کسانی که تنها به واسطه ازدواج، نسبتی به انسان پیدا می‌کنند، مثل برادرزن، زن برادر، زن‌عمو و مانند آن، رحم محسوب نمی‌شوند. همچنین کسانی که تنها به واسطه شیرخوردن و رضاع نسبتی به انسان پیدا می‌کنند، رحم انسان به حساب نمی‌آیند. (آیت‌الله سیستانی، رساله جامع، فایل الکترونیک، مسئله ۲۷۶۸)

برخی نیز گستره آن را به محارم نسبی محدود کرده‌اند. (تبریزی، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۶۱) شماری هم خویشاوندان سببی را به خویشاوندان نسبی ملحق کرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۵ / ۵۰۳)

ازاین‌رو خویشاوندان سببی فرد (ناشی از مصاهرت و دامادی) هرچند به دلیل پیوند، سیره عقلا، عرف رایج، ضرورت‌ها و انتظارات اجتماعی و مصالح جمعی، در زمره خویشاوندان به‌شمار می‌آیند و اکرام و احسان آنها در حد توان نیز از نظر اخلاقی و عرفی پسندیده است، از شمول ادله‌ای که به استناد آن، وجوب و استحباب صله نسبت به ارحام اثبات شده، خارج‌اند. (ر.ک: سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۳۹ ـ ۳۳۴؛ طاهری خرم آبادی، ۱۴۱۵: ۸۷ ـ ۸۰) بر این اساس، برخی مردم‌شناسان، جدایی این دو شبکه خویشاوندی را به دلیل درآمیختگیِ موضعی ناممکن می‌دانند: پیوندهای خونی، هم ناشی از وجود نیاکان مشترک است و هم ناشی از رابطه زن و شوهر که در وجود فرزندان مشترک تجلی می‌یابد؛ زیرا خویشاوندی را می‌توان رابطه‌های اجتماعی متکی بر زایش فرزند دانست. قرابت‌های ناشی از همخونی (نسبی) و وصلت (سببی) نیز از این گونه‌اند و در این زمینه، اگرچه زن و شوهر ممکن است اصل و نسب مشترک نداشته باشند، از طریق داشتن فرزندان مشترک، با هم پیوند خونی می‌یابند. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۹۰۶) براین اساس، اگرچه

www.noormags.ir

مناسبات خویشاوندی، مناسبات همخونی (قرابت نسبی) و مناسبات ناشی از ازدواج، مناسبات «سببی» هستند، از آنجا که خویشاوندی و قرابت سببی، پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند، اصطلاح اول معمولاً اصطلاح دوم را نیز دربر می‌گیرد. اصطلاح «خویشاوند سببی» شاید از دید برخی مردم‌شناسان نادرست باشد؛ اما سخن گفتن از نظام خویشاوندی، بدون در نظر گرفتن ازدواج و مناسبات ناشی از آن ناممکن است. (همان: ۳۹۴)

لازم به یادآوری است که افزون بر خویشاوندی نسبی (برپایه همخونی و ولادت) و خویشاوندی سببی (برپایه زناشویی) از انواع دیگری نیز در منابع علمی سخن رفته است؛ مانند خویشاوندی رضاعی (برپایه هم‌شیری و تغذیه از منبع مشترک در دوران طفولیت)، خویشاوندی تبنّی (برپایه فرزندخواندگی)، خویشاوندی توتمی یا همخونی آرمانی (برپایه اعتقاد به یک توتم یا ادعای انتساب به یک نیای مشترک آرمانی) و خویشاوندی معنوی یا شبه‌خویشاوندی (برپایه تعلق و انتساب ادعایی به برخی شبکه‌های بزرگ اجتماعی همچون قبیله، دودمان، طایفه یا کلان، قوم و ملت).

در منابع فقهی اسلام، از برخی از این انواع به دلیل اعتبار نداشتن در فرهنگ اسلامی، سخنی گفته نشده و از برخی دیگر همچون خویشاوندی رضاعی و تبنّی نیز به دلیل صدق نداشتن رحم و در نتیجه واجب نبودن صله نزدیکان ناشی از آنها، در بحث صله رحم طرح نشده‌اند. در منابع روایی، همچنین از قشر دیگری، با عنوان‌های خاص و عام نام برده شده که با عموم مؤمنان، پیوند روحانی و معنوی دارند و به تبع آن، از حقوق اخلاقی ویژه‌ای بهره‌مند شده‌اند. ازاین‌رو ارحام هر فرد ـ البته در فرهنگ و جامعه اسلامی ـ به دو دسته جسمانی و روحانی تقسیم می‌شوند. ارحام روحانی، براساس روایات عبارت‌اند از: پیامبر اکرمﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام (به‌ویژه امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام که به‌عنوان «اب» امت معرفی شده است)، علمای ربّانی (به‌عنوان جانشینان و ایفاکنندگان رسالت آنها)، مؤمنان صالح (یا عموم مؤمنان به‌عنوان فرزندان روحانی آن حضرت علیه‌السلام) و کسانی که قرآن از پیوند آنها به اخوت تعبیر کرده (انما المؤمنون اخوة) و سادات (به عنوان فرزندان جسمانی حضرت علیه‌السلام). (بنگرید به: مجلسی، ۱۳۸۹ق: ۲۳، کتاب الامامة، باب تأویل الوالدین و الارحام بهم، ۲۶۶ ـ ۲۶۱؛ نوری طبرسی، بی‌تا: ۴۷ / ۳۶۸ ـ ۳۶۶؛ دستغیب، ۱۳۶۱: ۱ / ۱۴۸ و ۱۵۱)

بدیهی است که این تعلق نیز در صورت توجه و درک جایگاه و ملزومات جوانحی و جوارحی آن، اقتضائات و انتظارات فردی و اجتماعی خاصی را در پی دارد که مؤمنان باید به تناسب آن، اقدامات مقتضی و تعامل عاطفی و رفتاری متناسب را انجام دهند. ازاین‌رو انتظار می‌رود که جامعه اسلامی، زمینه‌های بصیرت‌یابی عموم و ادای وظایف حقوقی و اخلاقی مورد انتظار و سفارش‌شده شریعت را فراهم سازد.

منابع فقهی، بیشتر با استناد به اطلاق ادله وجوب صله و حرمت قطع رحم، همه ارحام و منسوبان نَسَبی فرد اعم از مؤمن، کافر (یهود، نصار و مجوس)، مشرک، منافق، فاسق (حتی متجاهر به فسق)، ناصبان،

www.noormags.ir

خوارج، فِرَق غیرشیعی، اهل بدعت و قاطع رحم را مشمول این حکم خوانده و به وجوب صله آنها مادامی که موجب ترک واجب و ارتکاب حرام نشود، فتوا داده‌اند. از این میان، تنها کفار حربی ـ و از دید برخی، خوارج و ناصبان ـ استثنا شده‌اند. برخی از فقها نیز این الزام فقهی را تنها به ارحام مؤمن محدود کرده‌اند.

البته صله ارحام غیرمؤمن، محدود به اقدامات فعلی و عملی خاصی متناسب با انتظارات عرفی است. مؤمن همواره باید از ابراز محبت و عاطفه ایمانی و عشق و علاقه ارزشی مثبت خود به آنان ـ تا زمانی که بر این طریق سیر می‌کنند ـ به استناد ادله دینی (بنگرید به: مائده / ۵۳ و ۵۷؛ آل‌عمران / ۲۸؛ نساء / ۱۳۹؛ توبه / ۲۴) بپرهیزد. به بیان دیگر، محبت غیرمؤمنان برای مؤمن جایز نیست و فقط باید به‌اقتضای معاشرت معروف، با آنها تعامل اخلاقی کند و تا حد ممکن، زمینه جلب و جذب آنان به اسلام را فراهم سازد. (بنگرید به: سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۶۹ ـ ۳۴۸؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۹: ۳۸۴ ـ ۳۸۱)

صله چیست؟

دو وظیفه ایجابی و سلبی با عنوان‌های «صله» و «قطع»، به‌لحاظ مصداقی و عملی، به دلیل حقیقت نداشتن از نظر شرع و لغت، تنها با رجوع به عرف و مرجعیت آن تعیین می‌شوند. (نجفی، بی‌تا: ۲۸ / ۱۹۱) از دید برخی فقها، مفهوم صله، خود کنایه از «احسان» متعارف است. (سعدی، ۱۴۰۸: ۱۴۵ و ۳۸۰) به‌طورکلی، هرگونه اعطا در شرایط نابرابر (در مقابل قسط و عدل) و نداشتن عوض پایاپای و مستقیم، خواه به علت ضعف و ناتوانی از ادای مقابل و خواه به سبب بزرگی شأن و مرتبت افراد و از باب ادای حقوق معنوی ایشان، از مصادیق «احسان» خوانده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳ / ۴۳ ـ ۴۲)

در منابع روایی و فقهی نیز هرچند در مقام بیان وظایف مؤمنان و تعیین مصادیق صله، تعابیر عام و گاه خاصی به کار رفته، مکلّف در مقام ادای وظیفه و گزینش فعل مورد انتظار، بی‌نیاز از مراجعه به عرف و تشخیص اقتضائات زمانی و مکانی نخواهد بود. برخی از تعبیرهای به‌کاررفته در منابع روایی و فقهی، عبارتند از: معاشرت معروف، عمل صالح، صنائع‌المعروف، برّ، اکرام، اطعام، انفاق، ایثار، ارفاق، افضال، جلب نفع، دفع ضرر، دفع ظلم، عیادت مریض، تشییع جنائز، دعا، وعظ، وفا، شفقت، الفت، حسن خلق، گشاده‌رویی، طیب لسان، مواسات، زیارت، مواکلت، مجالست، مصاحبت، معاونت، مساعدت، تودد، تذلل، مکافات (پاداش احسان را به مثل یا زاید بر آن دادن)، اعطای قرض، (اغاثةالملهوف، ازالة المکروه، اعانة المظلوم، اعانة الضعفاء، اقراء الضیف، اعطاء الصدقة، کفّ الاذی، قضاء الحوائج، الاعانة فی الحوائج، الرعایة لاحوالهم، التعطف علیهم، الرفق بهم، الترحم علی العباد، تشارکهم فی الخیرات الدنیویة و الاخرویة، تفقد احوالهم، الاعتذار عنهم، ابراء ذمتهم، رعایة حالهم، یقوم بامدادهم، تأمین معونتهم،

www.noormags.ir

التوسعة و التوسیع فی ارزاقهم، افاضة ارزاقهم، المداراة معهم، کل ما قدر علیه من الخیرات، تألیف القلوب، قضاء الدیون، اعطاء ما ینبغی و اشباع الجایع). (بنگرید به: فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق: ۳ / ۴۵۴ ـ ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲؛ ورام، ۱۳۷۶) البته در برخی منابع فقهی نیز به مصادیقی از صله اشاره شده است. (بنگرید به: جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۹ / ۴۴۶ ـ ۴۴۰) برخی منابع نیز با شرح و تفصیل، حقوق والدین و وظایف فرزندان در قبال آنان و تعیین مصادیق و احکام مربوط به آنها را بازگو کرده‌اند. (بنگرید به: عاملی، بی‌تا: ۲ / قاعده ۱۶۲؛ سیوری، ۱۴۰۳: ۲۹۶ ـ ۲۸۶)

ازاین‌رو «صله»، از نظر مصداقی دارای طیف گسترده و نامعینی از کنش‌های جوانحی و جوارحی و جهت‌گیری مثبت ارزشی است که به انگیزه تکریم و احسان، تأمین نیازها و حوائج اولی و ثانوی خویشان، ادای وظایف و انتظارات اجتماعی، ارضای وجدان اخلاقی و در یک کلام، ادای حقوق و رفع تکالیف اخلاقی، حقوقی و عرفی ناشی از تعلق خویشاوندی صورت می‌گیرد و معمولاً به تحکیم و تثبیت پیوندها و وابستگی‌های طبیعی و اجتماعی آنها کمک می‌کند.

در مقابل، هر نوع سرپیچی از ادای وظایف اخلاقی، حقوقی و عرفی، بی‌توجهی به خواسته‌های مشروع و پذیرفته‌شده یا ارتکاب اعمال منافی با حقوق و توقعات خویشاوندی، به صورت آگاهانه و ناآگاهانه که موجب ناخشنودی، کدورت و ایجاد فاصله روانی و اجتماعی میان آنان گردد، از مصادیق «قطع رحم» خوانده می‌شود. البته در منابع دینی، از رعایت نکردن حقوق قانونی و اخلاقی والدین، به «عاق والدین» و از رعایت نکردن حقوق دیگر خویشان، به «قطع رحم» تعبیر شده است.

بر این اساس، هر فرد واجد شرایط (مکلّف به صله) موظف است با توجه به شرایط زمانی و مکانی، امکانات و مقدورات خویش، انتظارات و توقعات بحق ارحام و اقتضائات عرف، مصداق رفتاری بایسته را گزینش نماید و متناسب با تشخیص و انتظار اقدام کند. برخی ادله، ظرف الزام به رعایت صله و دچار شدن احتمالی به قطع یا عاق را به دوران پس از مرگ ارحام و والدین نیز تعمیم داده‌اند.

این بخش را با بیانی از ملا احمد نراقی در بیان مصادیق متعارف صله و قطع رحم مُحرَم به پایان می‌بریم:

> قطع رحمی که حرام است، این است که ایذا به او برسانی به گفتار یا کردار و با او رفتار ناشایست کنی یا سخن ناخوش نسبت به او بگویی که دل‌شکسته گردد یا او را احتیاجی یا ضرورتی باشد به سُکنایی یا لباسی یا خوراکی یا نحو آن و تو قدرت بر رفع احتیاج او داشته باشی، زیادتر از قدر ضرورت، متمکن باشی و از او مضایقه کنی یا ظالمی نسبت به او ظلمی کند و تو توانی آن را رفع کنی و کوتاهی نمایی یا از راه کینه و حسد، از او کناره‌گیری و دوری جویی و بدون عذر مسموع، در وقت مرض، عیادت او

www.noormags.ir

نکنی و چون از سفر آید، به دیدن او نروی و چون او را مصیبتی روی دهد، به تعزیه او حاضر نشوی و امثال اینها و جمیع اینها قطع رحم است.

صله، ضد آنهاست که خود را از سخن درشت و کردار زشت نسبت به او نگاه داری و او را به مال و دست و زبان و آبرو اعانت کنی و با او آمد و شد نمایی و از احوال او پرسش نمایی ... و بدان که عقوق پدر و مادر، عبارت است از به خشم آوردن و شکستن دل و آزردن خاطر ایشان و به هر نوع که دل‌آزرده شوند، عقوق، حاصل و آدمی، مستحق عذاب الهی و بلای غیرمتناهی می‌گردد؛ خواه به زدن باشد یا دشنام دادن یا صدای به ایشان بلند کردن یا تیز بر ایشان نگریستن یا از ایشان روی گردانیدن و بی‌اعتنایی یا نافرمانی ایشان نمودن در امری که اطاعت ایشان لازم است. (نراقی، ۱۳۶۲: ۴۰۸ ـ ۴۰۶)

حکم فقهی صله

صله رحم به استناد آیات متعدد، (بقره / ۲۷، ۸۳ و ۱۷۷؛ نساء / ۱، ۸ و ۳۶؛ رعد / ۲۱ و ۲۵؛ نحل / ۹۰؛ اسراء / ۲۶؛ نور / ۲۲؛ روم / ۳۸؛ محمد / ۲۳ ـ ۲۲) روایات فراوان (بنگرید به: شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۱۹۴ ـ ۱۶۲) و اجماع فقها، واجب و بلکه از ضرورت‌های دین خوانده شده (نجفی، بی‌تا: ۲۸ / ۱۹۱) و قطع رحم نیز ـ به استناد آیاتی که از آن به‌عنوان مصداقی از فساد در ارض، نقض عهد الهی، سرپیچی از فرمان خداوند به انجام صله و ترتب آثاری همچون دچار شدن مرتکب آن به لعن و نفرین الهی، بدعاقبتی، خسران در دنیا و عقبا و از دست دادن مشاعر ادراکی برای تشخیص حق ـ نه تنها حرام، که از گناهان کبیره (گناهانی که در منابع دینی به مرتکبان آن، وعده عذاب سخت اخروی داده شده) معرفی گردیده است.

روایات متعددی نیز ناظر به ترتب آثار سهمگین فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی بر قطع رحم گزارش شده که از آن به‌راحتی می‌توان حکم حرمت را برداشت کرد. (بنگرید به: طاهری خرم‌آبادی، ۱۴۱۵: ۱۹ ـ ۱۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۳۰ ـ ۳۲۰، ۳۳۹ و ۳۴۵؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۲۱۶ ـ ۱۹۶)

صاحب *جواهر* به نقل از *مسالک* می‌نویسد: «اعطای کمک مالی به رحم، مستحب است؛ در صورتی که بدان نیاز نداشته باشد، وگرنه واجب کفایی (در صورتی که صله، بدون آن هم محقق شود) یا واجب عینی (در صورت نیاز) است؛ چون صله رحم برای رحم، واجب عینی است». (نجفی، بی‌تا: ۲۸ / ۱۹۱)

از دید برخی محققان، حد واجب از صله، آن میزانی است که به‌وسیله آن فعل، فرد از مصداق قطع خارج می‌شود و مازاد آن، مستحب خواهد بود. به بیان دیگر، میزانی از صله که ترک آن حرام و معصیت باشد، واجب و غیر آن، مستحب خواهد بود. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۹ / ۴۳۸) برخی از مصادیق مستحبی که در منابع فقهی بدان توجه داده شده، اولویت ارحام در مطلق صدقه‌ها و انفاق‌های مالی،

www.noormags.ir

کفاره‌ها، نذرها، هبه‌ها، وصیت‌ها، اوقاف، زکات‌ها و قرض‌الحسنه است.

البته باید دانست که وجوب صله رحم، مشروط و مقید به تعامل مشابه خویشان نیست و حتی قطع تعمدی خویشان نیز مجوز قطع فرد و ترک وظیفه نمی‌شود و به بیان دیگر، در قطع رحم، مقابله به مثل جایز نیست. تعابیری همچون «لاتقطع رحمک و ان قطعک»، «صلوا ارحام من قطعکم» و «حق الرحم لایقطعه شيء» بارها در منابع روایی تکرار شده است. (بنگرید به: نهج‌البلاغه، فرازهایی از نامه ۳۱)

ازاین‌رو بسیاری از مواردی که بیشتر به‌عنوان بهانه قطع بدان تمسک می‌شود، وجاهت شرعی و اخلاقی ندارند. بدین‌ترتیب رواج برخی فتواها، باب بهانه‌جویی را بسته است. برای نمونه، قطع رحم و ترک رابطه با خویشاوندان و فامیل حرام است، هرچند آن خویشاوند، خود جلوتر قطع رحم کرده باشد یا نمازخوان نباشد یا شراب‌خوار باشد یا به برخی از احکام دینی بی‌اعتنا باشد و موعظه و ارشاد و نصیحت هم در او بی‌اثر باشد. البته اگر نوع خاصی از صله رحم با خویشاوند، موجب تأیید کار حرام او یا تشویق او بر ارتکاب منکر می‌شود یا موجب ابتلای خود فرد به گناه می‌شود، آن نوع صله رحم جایز نیست و فرد موظف است به شیوه دیگری صله رحم را انجام دهد. (آیت‌الله سیستانی، رساله جامع، فایل الکترونیک، مسئله ۲۷۶۶)

نکته دیگر اینکه، صله اعم از واجب و مستحب، تنها با ادای وظایف مورد انتظار، محقق خواهد شد و استمرار و پایداری بر فعل، شرط دیگر انجام دادن صله است. ازاین‌رو اگر کسی تنها به برخی موارد یا تنها به انجام دادن برخی مصادیق صله (بدون توجه به نیاز و موقعیت رحم خود) اقدام کند، ادای وظیفه نکرده است. برای نمونه، اعطای کمک مالی به رحمی که به دلیل کمبود عاطفی، به دلجویی و ابراز صمیمت نیاز دارد و در مقابل، دید و بازدید از کسی که به کمک مالی نیاز مبرم دارد، فرد را بری‌ءالذمه نمی‌کند. ادای موردی تکلیف نیز هرچند فرد را از شمول عنوان قاطع رحم خارج می‌کند، بدیهی است که از او رفع تکلیف نمی‌شود.

تفاوت دیگر میان صله و قطع این است که صله به دلیل ایجابی بودن، با انجام دادن موردی و گاه و بی‌گاه وظیفه و نیز با انجام مصداق‌های بی‌ارزش به جای مصداق‌های مورد انتظار، صحتِ اطلاق دارد و صله تا حدی محقق شده است. اگرچه ممکن است فرد به دلیل عمل نکردن وظیفه مورد انتظار، بری‌ءالذمه نشده باشد؛ اما قطع به دلیل سلبی بودن، تنها با ترک جمیع راه‌های صله محقق می‌شود. ازاین‌رو برای صله، مصداق‌های متعددی وجود دارد که برخی واجب و برخی مستحب‌اند و انجام هر مورد، هرچند در مقایسه با موارد مهم‌تر مستحب تلقی شود، مانع از تحقق قطع خواهد بود؛ در مقابل برای قطع، تنها یک مصداق وجود دارد و آن، ترک جمیع مصداق‌ها است.

نکته جالب توجه اینکه در مسئله عاق والدین، افزون بر ترک جمیع راه‌های صله، ارتکاب کمترین عملی

www.noormags.ir

که موجب نگرانی آنان شود نیز از مصداق‌های قطع خوانده شده است؛ هرچند انجام دادن همین عمل در مورد دیگر نزدیکان، مشمول چنین حکمی نشود. (بنگرید به: سیفی مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۹۰ ـ ۳۷۰)

بدیهی است که الزام به ادای این واجب نیز همچون دیگر واجبات، مشروط و وابسته به شرایط عام تکلیف خواهد بود. انجام دادن صله در صورتی که نیاز به عسر و حرج، ضرر معتنی به (مالی، جانی یا آبرویی برای خود، اهل، اولاد، والدین، دیگر نزدیکان یا مؤمنان) یا هر نوع مانع شرعی و عرفی داشته باشد، از عهده فرد خارج می‌شود یا به مصداق‌های در دسترس و ممکن‌الوقوع کاهش می‌یابد. (همان: ۳۹۳ ـ ۳۹۰) در صورتی که قطع رحم، متضمن آثار اخلاقی و تربیتی برای توجه و هشدار ارحام غافل و برحذر داشتن آنان از ارتکاب معاصی و منکرها باشد، از باب نهی از منکر و تنها به صورت موقت، مجاز شمرده شده است. (بنگرید به: رساله‌های توضیح‌المسائل)

آثار و کارکردهای صله رحم

روایات دینی به ترتب آثار و نتایج فراوانی اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی بر رعایت صله رحم توجه داده‌اند. در این میان، درک و تفسیر رابطه علّی و معلولی میان صله رحم و آثار یادشده در برخی موارد، به‌راحتی و با منطق متعارف به دست نمی‌آید. اشاره به مصداق‌هایی از این آثار از باب نمونه، جهت انگیزه‌یابی و انگیزه‌زایی مفید خواهد بود. به‌منظور اختصار، از آوردن اصل روایت و حتی ترجمه آن صرف‌نظر می‌کنیم و تنها مضمون و پیام دریافتی از آن را به همراه منبع روایت می‌آوریم:

سلامت بدن، (مجلسی، ۱۳۸۹ق: ۴۷ / باب ۲۸ / ح ۳۹) آرامش و سکینه روحی، (همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۳۴) افزایش و زیادت عمر، (کلینی، بی‌تا: باب صلة الرحم / ح ۱۷) ایجاد و تقویت روح نیک خلقی، (مجلسی، همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۷۴) تزکیه اعمال، (همان: ح ۴۹) افزایش رزق و روزی و زیاد شدن نعمت‌ها، (همان: ح ۱۶، ۳۲ و ۵۸؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۴ / ح ۵۸۳۶) آبادانی سرزمین، (مجلسی، همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۲۱) تأمین سلامت در جمیع امور، (همان: باب ۱۷ / ح ۱۰) فراوانی و تکثیر نسل، (همان: باب ۳ / ح ۲۳) جلب حمایت خویشان، (تمیمی آمدی، همان: ۲ / ح ۲۴۵۱ و ۲۴۵۸) افزایش محبت و تعلق خاطر میان خویشان، (مجلسی، همان: ۷۷ / باب ۲ / ح ۷؛ ۷۴ / باب ۳ / ح ۵۸) افزایش مهتری در جامعه، (تمیمی آمدی، همان: ۴ / ۵۸۸۴) جلب غفران الهی و آمرزش گناهان، (مجلسی، همان: ۹۶ / باب ۱۶ / ح ۳۷) برخورداری از توفیق‌ها و انعام‌های ویژه الهی، (همان: ۷۴ / باب ۳ / ح ۱۶؛ ۷۶ / باب ۶۷ / ح ۱؛ ۷۶ / باب ۶۷ / ح ۳۰) تقویت دین‌داری و ایمان، (همان: ۷۷ / باب ۱۴ / ح ۲) افزایش زمینه تقرب به خداوند، (همان: ۷۴ / باب ۳۰ / ح ۶) مصونیت از ابتلا به مرگ ناگوار، (همان: ۹۶ / باب ۱۶ / ح ۳۷) تسهیل

www.noormags.ir

حسابرسی در قیامت، (همان: ۷۴ / باب ۲ / ح ۹۶) تخفیف عقاب اخروی (همان: ۴۷ / باب ۳۱ / ح ۱۴) و افزایش استحقاق، جهت وصول بـه درجـات متعـالی بهشـت. (همـان: ۷۴ / بـاب ۳ / ح ۹؛ بنگریـد بـه: شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۱۹۶ ـ ۱۷۸)

جایگاه صله رحم در سبک زندگی مدرن

صله رحم به‌طور عمده به دلیل ویژگی‌هایی چون ماهیت اخلاقی، وظیفه‌گرایی (در مقابل نتیجـه‌گرایـی)، الزام‌ناپذیری، غلظت مشوق‌های عاطفی، توقع‌محوری و غیرانتفاعی بودن به‌لحاظ سـنخ‌شناسـی در زمـره اخلاق اعتقادی جای می‌گیرد و در مقام اجرا، به بنیادهای اعتقـادی، ارزشـی و نگرشـی فـرد و تـاحـدی ترغیب‌ها و فشارهای محیطی وابسته و مبتنی است. چنین اخلاقی در مقایسه با اخلاق حرفه‌ای که دارای ضمانت اجرای رسمی است، در صورت وقوع دگرگونی‌های ناهمسو در جنبـه‌هـای عـاملی و انگیزشـی و زمینه‌های ساختی و فرهنگی، استعداد بالایی برای نقض و سرپیچی یا جانشین‌پذیری دارد.

البته در فقه اسلامی، مصداق‌هایی از صله، جزء حقوق و تعهدهای واجب افراد معرفـی شـده و نظـام اجتماعی نیز بر لزوم رعایت آن اصرار و تأکید بیشتری دارد و به‌طور بدیهی سرپیچی از آن، امکان وقوعی کمتری دارد.

فلسفهٔ تأکید بیش از حد اسلام بر مسئله صله رحم و مترتب ساختن آثار متعدد دنیوی و اخروی بر آن و در مقابل، برحذر داشتن همگان از قطع رحم و عاق والدین و توجه دادن به آثار و پیامدهای سهمگین و ناگوار آن، وجود انکارناپذیر درجه‌هایی از تمایل به سرپیچی از وظایف متقابل و کم‌تـوجهی بـه حقـوق و تعهدهای عاطفی و اخلاقی در میان افراد بشر است که در ارتباطات خویشاوندی، به دلیل برخی شـرایط، زمینه بیشتری برای وقوع دارد.

کاهش موقعیت هنجاری صله رحم و کم‌توجهی انسان مدرن بـه ادای حقـوق اخلاقـی خویشـان در مقایسه با جامعه سنتی، مستند به علل و دلایل ساختاری، فرهنگی و روان‌شناختی متعددی است کـه بـه برخی از آنها به فراخور حال و قدر مجال اشاره می‌کنیم. در اینجا به مواردی اشاره مـی‌کنـیم کـه بـالقوه می‌توانند زمینه و تمایل روانی به ارتباطات خویشاوندی را ضعیف سازند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. کاهش وابستگی و عصبیت قومی (که در جوامع سنتی به دلیل نیازها و شرایط ویژه، خود همـواره یکی از عوامل تعیین‌کننده در حفظ و استمرار پیوندهای خویشاوندی و اهتمام عموم به تحکـیم و تعمیـق آن با هر هزینه ممکن بوده است).

۲. ضعف آگاهی از حقوق و تکالیف متقابل و شیوه ادای آن در شرایط مختلف یا ضعف تعهدمنـدی و

www.noormags.ir

احساس مسئولیت در قبال نزدیکان و خویشان (که خود، ریشه در نظام تعلیم و تربیت و جامعه‌پذیری انسان مدرن دارد). تردیدی نیست که داشتن آگاهی درست از طیف حقوق و وظایف متقابل، پیش‌شرط ضروری و گریزناپذیر هر نوع اقدام عملی در جهت تأمین این حقوق و ادای تکالیف مربوط است.

۳. ضعف انگیزه‌های اخلاقی و میزان پای‌بندی به ارزش‌های دینی (به تبع غلبه سکولاریسم و ضعف موقعیت اجتماعی دین به‌عنوان متقن‌ترین پشتوانه اخلاق و مهم‌ترین منبع مولّد یا حامی و مؤید این سنخ آموزه‌ها).

۴. تشدید روزافزون فردگرایی خودمدارانه (بر اثر بروز تنوع‌گرایی و تکثرگرایی فرهنگی و کاهش تدریجیِ هم‌سنخی و هم‌نوایی میان افراد و نیز برجسته شدن شکاف در حوزه بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها، ترجیح‌ها و خلق‌وخوی‌ها که استعداد بالایی برای سوق‌دهی افراد به استقلال‌جویی و فاصله‌گزینی دارد).

۵. شهرنشینی به‌ویژه در کلان شهرها (که به دلیل اقتضائات ویژه، فرصت و انگیزه لازم برای درگیر شدن در چرخه ارتباطات غیرالزامی را به کمترین حد ممکن فرد می‌کاهد. ضمن اینکه فرهنگ شهرنشینی، خود زمینه‌های لازم برای تقویت فردگرایی و هسته‌ای شدن خانواده و تمایل به ایجاد فاصله‌های نامرئی چندلایه میان افراد را پدید می‌آورد).

۶. تسهیل مهاجرت و وقوع فاصله‌های فیزیکی و جغرافیایی میان افراد (که به تبع فاصله‌های عاطفی و رفتاری پدید می‌آید و مَثَل رایج «از دل برود هر آن‌که از دیده برفت» در اینجا کاملاً مصداق دارد و در مقابل، مَثَل «دوری و دوستی» در جهان معاصر، معمولاً نتیجه معکوس داده و دوری‌های آن، به جای تقویت حس دوستی، بیشتر بسترساز یا بهانه و مجوز قطع ارتباط شده است. عجیب آنکه تنوع امکانات ارتباطاتی نیز نتوانسته است گسست‌های روانی ناشی از این فاصله‌ها را ترمیم کند).

۷. تنوع موقعیت‌های شغلی ناشی از نظام تقسیم کار اجتماعی و وقوع فاصله‌ها و نابرابری‌های صنفی و طبقاتی (که بر اثر آن به بروز درجه‌هایی از شکاف‌های موقعیتی، اطلاعاتی، معرفتی، مهارتی، ارزشی، نگرشی، رفتاری و ارتباطی میان افراد و به بیانی عام، سبک زندگی متفاوت منجر می‌شود).

۸. احساس بی‌نیازی واقعی یا توهّمی به آثار ناشی از این وابستگی‌ها (تردیدی نیست که یکی از عوامل بسیار مشوق و محرّک عموم به برقراری، استمرار و تقویت و استحکام پیوند با خویشان، نقش مستقیم و غیرمستقیم آن در تأمین مجموعه بزرگی از نیازهای عاطفی، هویتی، شغلی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی بود که در جامعه سنتی، تنها از این طریق برطرف می‌شد. تأمین همه یا بخش بزرگی از این نیازها در جامعه مدرن به سازمان‌ها و کارگزاران متعدد عصری محوّل شده است. این تحول به

www.noormags.ir

کاهش وابستگی افراد به شبکه خویشاوندی و در نتیجه کاهش انگیزه برای حفظ و حمایت از پیوندهای مربوط کمک کرده است).

۹. تعدد عضویت در سازمان‌های مختلف و درگیر شدن افراد در مجموعه‌ای از ارتباطات متکثر و متنوع با اقتضائات متفاوت (که خود به‌نوعی زمینه غفلت یا کم‌توجهی به ارتباطات درجه دوم و دارای الزام عرفی و اخلاقی همچون ارتباط با خویشان را تمهید کرده است. به بیان دیگر، در جامعه مدرن، پیوندهای ساختاری افراد بر پیوندهای ژنتیکی و عاطفی آنها چیره شده است. بدون تردید، داشتن تکاپوی زیاد روحی و درگیر شدن در روزمرگی‌های گریزناپذیر، وقت و حوصله‌ای برای ادای تعهدها و تکالیف اخلاقی و غیرالزامی باقی نمی‌گذارد. این موضوع در کنار کاهش وابستگی، انگیزه و تمایل به فاصله‌گزینی را تشدید کرده است).

۱۰. کاهش فشار هنجاری محیط، به منظور ترغیب افراد به رعایت و پاس‌داشت این سنخ روابط و تقویت اراده‌های همسو (بر اثر وقوع تحولات ساختاری، ظهور بدیل‌های کارکردی، احساس بی‌نیازی، نداشتن ضرورت اجتماعی، نبود انگیزه و منطق توجیهی. ضمن اینکه سرجمع، هزینه‌های ناشی از رویگردانی یا کم‌توجهی به این سنخ تعهدها بسیار تحمل‌پذیرتر از بار همین هزینه‌ها در جامعه سنتی است).

۱۱. کاهش سلطه پیران به‌عنوان حلقه‌های پیوند گذشته و حال و مبلّغان و حافظان ارزش‌های سنتی موروث (در پی وقوع پدیده شکاف نسل‌ها).

۱۲. چیرگی عقلانیت ابزاری و محاسباتی بر عقلانیت معطوف به ارزش‌ها در کنش‌های انسانی، ارزش‌یابی اقتصادی اوقات فراغت و احساس نیاز به صَرف آن در فعالیت‌هایی که افراد را در انجام دادن وظایف الزامی و اشتغال‌های اجتناب‌ناپذیر کمک می‌کند، کاهش ازدواج‌های درون فامیلی (که خود با واسطه در تضعیف تعهدهای ناشی از پیوندهای خونی مؤثر بوده است. در مقابل، افزایش ازدواج‌های برون‌فامیلی و درآمیختن با دیگر شبکه‌ها و تعهدهای قهری ناشی از وابستگی بدان، زمینه و فرصت کمتری برای رعایت حقوق ارحام فراهم می‌سازد. بدون تردید، ازدواج‌های درون‌فامیلی همواره یکی از عوامل تحکیم و تعمیق پیوندهای نسبی بوده است).

۱۳. دلایل یا بهانه‌های دیگری نیز همچون زندگی آپارتمان‌نشینی در محیط‌های شهری و محدود بودن جا و مکان، ضعف امکانات مالی و ناتوانی در ادای تعهدهای مالی، وجود برخی کدورت‌ها و نزاع‌های ریشه‌دار و موروثی در درون فامیل (که ارجاع بدان، معمولاً انگیزه و تمایل به ارتباط میان نسل‌های بعد را کاهش می‌دهد).

۱۴. خوف از بروز برخی گرفتاری‌های احتمالی مثل سرایت انحراف‌های اخلاقی فرزندان به یکدیگر،

www.noormags.ir

بروز چشم و هم‌چشمی، طرح خواسته‌های ناممکن و احیای کینه‌ها و کدورت‌های پیشین. برخی از اعضای فامیل نیز ممکن است به دلیل گرفتار شدن آشکار به برخی انحراف‌ها همچون اعتیاد، داشتن کسب غیرمجاز، داشتن موضع و عملکرد ضد انقلابی، ضعف دین‌داری و پایبندی به ظواهر فرهنگ دینی، گرایش‌های سیاسی خاص و بی‌توجهی به حقوق متقابل، از گردونه رفت‌وآمدهای خویشاوندی حذف شده باشند. پر شدن اوقات فراغت افراد با فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی‌های اشتغال‌زا و در نتیجه، کمبود فرصت برای ادای دیگر تعهدها مانند صله رحم نیز توجیهی است که بیشتر به صورت صریح و ضمنی بدان ارجاع می‌شود.

نکته دیگری که کمتر بدان توجه می‌شود، موضوع کاهش تدریجی ارحام و شبکه خویشاوندان در جامعه مدرن، با اثرپذیری از برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است. در هر حال، آموزه‌های دینی، ارزش‌های اخلاقی و ضرورت‌های اجتماعی چنین اقتضا می‌کنند که افراد، ارتباطات صمیمانه با شبکه خویشاوندان و ارحام را در هر شرایط ممکن در کنار طیف گسترده ارتباطات اجتماعی گریزناپذیر خود، حفظ و بر آن مداومت کنند. بی‌توجهی به ارتباطات خویشاوندی در جهانی که در پرتو فنّاوری‌ها و امکانات ارتباطی پرشمار و روزافزون، عصر «ارتباطات» نام گرفته است، هیچ توجیه محکمی نخواهد داشت. رعایت این مهم، بیش از همه از مؤمنان به ادیان الهی و شریعت‌مداران انتظار می‌رود.

نتیجه

یکی از مؤلفه‌های کلیدی و برجسته سبک زندگی دینی (اسلامی) در حوزه ارتباطات انسانی، ارتباط با خویشان و بستگان نسبی ـ و همچنین بستگان سببی، طبق برخی دیدگاه‌ها ـ اعم از مؤمن و غیرمؤمن (مشروط به شروط و حدود خاص) است که در منابع دینی و الهیاتی از آن به «صله رحم» تعبیر شده است؛ آموزه‌ای که با وجود زیرساخت‌های فطری و طبیعی، عقلانیت ارزشی و ضرورت‌های کارکردی، در منابع دینی (آیات و روایت) و سیره بزرگان دین نیز فراوان آمده و با تعبیرهای مختلف بر رعایت آن در هر شرایط ممکن تصریح و تأکید شده است.

این ارزش اجتماعی با وجود پشتوانه‌های عقلی، شهودی، دینی و تجربی، بر اثر برخی تحولات ساختاری، شخصیتی، فرهنگی و ارتباطاتی، از جایگاه پیشین خود در جامعه سنتی افول کرده و به‌طور عمده، به یک ادب اجتماعی مرسوم در برخی تعاملات موسمی و مناسبتی تبدیل شده است. در تحلیل جایگاه و اهمیت فرهنگی ـ اجتماعی، آثار و کارکردهای مترتب بر رعایت و ترک آن و نیز علل و عوامل مؤثر در افول جایگاه سنتی آن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

www.noormags.ir

انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران و کارگزاران فرهنگی جامعه اسلامی ایران، به‌عنوان جامعه‌ای که در بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی ـ مذهبی، نقش الگویی برای جوامع اسلامی و بلکه غیراسلامی دارد، از راه‌های مختلف فرهنگ‌سازی به‌ویژه از طریق آموزش و پرورش رسمی و رسانه‌های جمعی، به احیای سنت‌های فرهنگی مذهبی در حال اندراس، تقویت بنیادهای ارزشی، فعال‌سازی حافظه تاریخی، تحکیم زمینه‌های همبستگی اجتماعی، افزایش میزان اعتماد متقابل، تقویت انگیزه برای مددکاری اجتماعی و اعطای خدمات انسانی در شبکه‌های خویشاوندی، انگیزه‌زایی برای افزایش میزان پایبندی به رعایت حقوق قانونی و اخلاقی متقابل خویشان بپردازند و اقدامات لازم را انجام دهند. برخی از این راه‌ها عبارتند از:

اعمال تدابیری همچون بازخوانی پیوسته آموزه و ارزش متعالی سنتی ـ مذهبی صله رحم، توجه دادن به آثار و نتایج دنیوی و اخروی، مادی و غیرمادی و فردی و اجتماعی مترتب بر رعایت آن و در مقابل، آثار و نتایج ناظر بر قطع آن، توجه دادن به سیره عملی بزرگان دینی در اهتمام به رعایت این فریضه، توجه دادن به مصداق‌های کم‌هزینه و در دسترس همگان همچون تماس تلفنی، فرستادن نامه، فرستادن هدیه، دید و بازدیدهای موسمی و مناسبتی، تعیین وظیفه در هنگام گرفتار شدن به مزاحمت‌های رفتاری، برحذر داشتن توده‌ها از بهانه‌جویی‌های بی‌مورد که همواره عامل قطع این ارتباط می‌شود و توصیه و ترغیب به بالابردن آستانه تحمل در رویارویی با اعمال غیرمنتظره برخی خویشان.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*، ترجمه محمدمهدی فولادوند.

۲. *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، مباهله، چ ۲.

۳. آلوسی بغدادی، ۱٤۰۵، *تفسیر روح المعانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

٤. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱٤۰۵، *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.

۵. تبریزی، جواد بن علی، ۱٤۲۷، *صراط النجاة*، قم، دار الصدیقة الشهیدة.

٦. تمیمی آمدی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۷۳، *غررالحکم و دررالکلم*، با شرح خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، چ ٤.

۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۸. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱٤۲۳، *موسوعة الفقه الاسلامی طبقة المذهب اهل البیت*، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه الاسلامی بر مذهب اهل‌بیت.

www.noormags.ir

۹. حرانی، ابن‌شعبه، ۱٤۰۲، *تحف العقول*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

۱۰. دستغیب، عبدالحسین، ۱۳٦۱، *گناهان کبیره*، شیراز، ناس.

۱۱. رازی، فخرالدین، ۱٤۱۱، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱٤۱۲، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان ـ سوریه، دارالعلم و دارالشامیة.

۱۳. سایت اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله سیستانی، تاریخ مشاهده ۱۳۹۳/۵/۱۲:

۱٤. سعدی، ابوحبیب، ۱٤۰۸، *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً*، دمشق، دار الفکر، چ ۲.

۱۵. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر، ۱٤۲۹، *دلیل تحریر الوسیلة، احکام الاسرة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس‌سره.

۱٦. سیوری، مقداد بن عبدالله، ۱٤۰۳، *نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الامامیة*، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۷. شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۱، **عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی**، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۱۸. شرف‌الدین، سید حسین، ۱۳۸٦، **تحلیلی اجتماعی از صله رحم**، قم، بوستان کتاب، چ ۲.

۱۹. صدوق، محمد بن علی (ابن‌بابویه)، ۱۳۲۵، **مصادقة الاخوان**، ترجمه محمدتقی دانش‌پژوه، انتشارات مجلس.

۲۰. طاهری خرم‌آبادی، سید حسن، ۱٤۱۵، *صلة الرحم*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

۲۱. طباطبایی قمی، تقی، ۱٤۱۹، *مباحث فقهیة (الوصیة، الشرکة و صلة الرحم)*، قم، امیر.

۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳٦۳، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۳. طبرسی، حسن بن فضل، ۱٤۱۲، *مکارم الاخلاق*، تصحیح علاءالدین علوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۲٤. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، بی‌تا، *القواعد و الفوائد فی الفقه و ...*، قم، منشورات مکتبة المفید.

۲۵. فیض کاشانی، مولا محسن، ۱۳۸۳ ق، *المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الثانیة.

۲٦. ــــــــــــ، ۱٤۰٦، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

www.noormags.ir

۲۷. کلینی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب، بی‌تا، ***اصول کافی***، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۲۸. گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب، ۱۳۷٦، ***فرهنگ علوم اجتماعی***، جمعی از مترجمان، ویراسته محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران، مازیار.

۲۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۹، ***بحارالأنوار***، تهران، المکتبة الاسلامیة.

۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، ***اخلاق در قرآن***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره.

۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، ***مجموعه آثار***، ج ۲، قم، صدرا، چ ۷.

۳۲. ــــــــــــ ، ۱۳۹۱، ***مجموعه آثار***، ج ۲۲، قم، صدرا، چ ۷.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاری، ۱۳۸۱، ***تفسیر نمونه***، قم، دار الکتب الاسلامیه، چ ۳۲.

۳٤. نجفی، محمدحسن، بی‌تا، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.

۳۵. نراقی، ملااحمد، ۱۳٦۲، **معراج السعادة**، تهران، رشیدی.

۳٦. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱٤۰۸ ق، مستدرک **الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام.

۳۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، بی‌تا، **کلمه طیبه**، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

۳۸. ورام، ابوالحسن، ۱۳۷٦ ق، ***تنبیة الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام)***، دارالکتب الاسلامیه

39. . http://www.sistani.org/persian/book/50/

www.noormags.ir